

عربستان سعودی

مردم، گذشته، ذهب، فاصله طبقاتی و آینده

کارن ایملت هاوس

مترجم: سعید رحیمی



اوسانه
Osnat

۱۳۹۵



اوسانه
Osaneh

عربستان سعودی

مقدمه گذشته، مذهب، فاصله طبقاتی و آینده

نویسنده: کارن الیوت هاوس، مترجم: سعید مؤمن

ناشر: اوسانه

حالت نسخه: ۱۳۹۰ / شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حروف چاپی: اوسانه لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صفحه: سپیدار

ویراستار: اوسانه / طراحی جلد: قهرمانی

صفحه‌آرایی: نفیسه‌ها

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۰۰۰۲-۳

نشانی: تهران، شمال غرب پل سیدخندان، خیابان شقایق، پلاک ۲۴

تلفن: ۰۲۲۸۹۲۱۴۳، ۰۹۱۲۵۵۴۲۳۰۸

فروش اینترنتی و اطلاعات ناشر در:

<http://ketab.ir/osaneh> و www.iketab.com

همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

شماره تلفن‌های مراکز پخش و فروش:

اوسانه ۰۲۲۸۹۲۱۴۳، رادین ۸۸۰۳۸۲۹۸



سرشناسه: هاوس، کارن الیوت

House, Karen Elliott

عنوان و نام پدیدآور: عربستان سعودی: مردم، گذشته، ذهب، فاصله طبقاتی و آینده/

کارن الیوت هاوس؛ مترجم سعید مؤتمن

مشخصات نشر: تهران: اوسانه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: 3-02-6610-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: On Saudi Arabia : its people, religion, fault lines—and future, 2012.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان «درباره عربستان= On Saudi Arabia» در دسترس بوده است.

گذشته، دین، خطوط گسست و آینده» با ترجمه مرتضی رجائی خراسانی و فاطمه مهرابی.

کارآموزیان توسط مرتضی رجائی خراسانی در همین سال منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: عربستان سعودی — تمدن

موضوع: آل سعود

موضوع: عربستان سعودی — سیاست و حکومت

موضوع: عربستان سعودی — آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: عربستان سعودی — دین

شناسه افزوده: مؤتمن، سعید، ۱۳۴۳ — مترجم

رده‌بندی کنگره: الف ۱۳۹۴/۲۵۴ DS۲۱۵/

رده‌بندی دیویی: ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۰۱۱۴۲

فهرست مطالب

۹	نقشه موقعیت جغرافیایی عربستان
۱۵	درباره نویسنده
۱۷	مقدمه مترجم
۱۹	پیش‌گفتار
۲۳	فصل اول. شکننده و آسیب‌پذیر
۳۱	فصل دوم. مهاجرت‌های آن‌سعود برای بقا
۵۱	فصل سوم. اسلام: دین بربر و دستخوش اختلاف
۷۵	فصل چهارم. هزارتوی اجتماعی
۹۱	فصل پنجم. زنان و تناقضات اجتماعی
۱۲۱	فصل ششم. جوانان و عصیانگری
۱۴۳	فصل هفتم. شاهزادگان
۱۶۱	فصل هشتم. نمرات مردودی
۱۷۹	فصل نهم. طرح‌ها و برنامه‌ها، رخوت و فقر
۲۰۳	فصل دهم. رانده‌شدگان
۲۱۵	فصل یازدهم. ... و قانون‌شکنان
۲۳۵	فصل دوازدهم. جانشینی
۲۴۵	فصل سیزدهم. سناریوهای سعودی
۲۵۷	فصل چهاردهم. بیم و امید
۲۷۷	فصل پانزدهم. پایان بازی
۲۸۵	کتابنامه



کارن الیوت هاوس (Karen Elliott House)، شصت و چهار ساله، در سال ۲۰۰۶ با عنوان ناشر وال استریت ژورنال و معاون ارشد داو جونز و عضو کمیته اجرایی این شرکت بازنشسته شد. او مدیری مجرب در زمینه بازرگانی است که در امور بین الملل مهارت و تجربه وسیعی دارد، و این مهارت‌ها را مرهون سن حرفه‌ای و ممتاز خود به عنوان خبرنگار، ناشر برگزیده و نویسنده برنده جایزه پولیتزر است. او از سال ۲۰۰۲ تا زمان بازنشستگی در سمت ناشر، مسئولیت انتشار همه اخبار و مقالات، چاپ، فروش و سایر فعالیت‌های تجاری

وال استریت ژورنال را در سراسر دنیا به عهده داشته است. هاوس هم‌اکنون سمت دستیار ارشد مرکز دانش و امور بین الملل را در دانشگاه هاروارد را به عهده دارد. خانم هاوس طی سی و دو سال فعالیت در وال استریت ژورنال و داو جونز، به عنوان سردبیر بخش خارجی، خبرنگار سیاسی، و خبرنگار بخش انرژی در دفتر واشنگتن فعالیت کرده است. بعضی از جوایزی که تاکنون برنده شده عبارتند از جایزه پولیتزر برای ارائه گزارش جهانی مربوط به منطقه خلیج فارس (۱۹۸۴)، دو جایزه باشگاه خبرنگاران خارجی برای پرداختن به مسائل خاورمیانه و اسلام، جایزه ادوین ام. هود برای ارائه گزارش سیاسی برجسته‌ای درباره عربستان سعودی (۱۹۸۲).

هاوس در طول سال‌ها فعالیت در هر دو عرصه خبرنگاری و تجارت، سفرهای بسیاری به اقصی نقاط دنیا داشته و با بسیاری از رهبران جهان مانند صدام حسین، لی کوآن یو نخست‌وزیر سنگاپور، ژو رونگ‌جی نخست‌وزیر سابق چین، ولادیمیر پوتین، شیمون پرز، بنیامین نتانیاهو، ملک عبدالله پادشاه عربستان، حسنی مبارک، مارگارت تاچر، ریچارد نیکسون، هلموت کهل، جورج بوش، ملک حسین و یاسر عرفات مصاحبه کرده است.

عربستان سعودی، به دلیل قرار گرفتن در منطقه استراتژیک خلیج فارس و برخورداری از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان، از دیدگاه جهانی بسیار اهمیت دارد. این کشور در جهان اسلام نیز با داشتن پیشینه تاریخی کهن و استقرار مهم‌ترین شهرهای اسلام یعنی مکه و مدینه در آن، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. عربستان خاستگاه دین اسلام در هزار و چهارصد سال پیش و در عین حال نسخه و هابی آن در دوران معاصر محسوب می‌شود. مذهب وهابی در عربستان نقش بسیار مهمی دارد و عملاً همه سیاست‌های کشور بر اساس این آیین پایه‌ریزی شده است.

درهم‌تنیدگی وهابیت با قومیت سعودی، به ایجاد حکومتی پادشاهی انجامیده که در آن مذهب دگر اسلامی جایی برای تنفس، رشد و نمو ندارند؛ به‌خصوص شیعیان به‌خاطر عدم خاص وهابیت با آنها، در شرایطی ناگوار و مملو از تبعیض و ستم به سر می‌برند.

موج تحولات منطقه در بهار عربی سال ۲۰۱۱ شرایطی ایجاد کرده است که عربستان سعودی موقعیتش را به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه در خطر می‌بیند. این دگرگونی‌های سیاسی و دره وارد مذهب، مانند رویدادهای سوریه، عراق، یمن و بحرین و همچنین تشکیل دولت‌های برزیستی داعش، جبهه النصره، القاعده و غیره، باعث شده‌اند که عربستان در برصه رقابت‌های منطقه‌ای موقعیت متزلزلی پیدا کند. شرایط ایجادشده جدید معادلات قبلی را برهم زده و معادلات جدیدی فراوری کشورهای منطقه قرار داده است که واجد پارامترهای جدیدی هستند و اگر عربستان بخواهد همچنان در بازی توازن قدرت در منطقه حضور داشته باشد و به حاشیه رانده نشود، باید بتواند بر مشکلات خارجی و به‌ویژه تحولات داخلی آید و با قواعد جدید بازی کند.

شرایط ویژه‌ای بر عربستان حاکم است، به‌طوری که سیاست خارجی آن تابع سیاست‌های داخلی آن است. باید توجه کرد که عربستان جامعه بسته‌ای دارد که لایه‌های زیرین آن مکشوف نیست. در عین حال، سیاست‌های داخلی و به‌ویژه پیروی از آن، سیاست خارجی حکومت منبعث از همین جامعه ناپیدا، تفکر حاکم بر آن، رسومات قبیله‌ای و آیین‌های مذهبی است.

هنگامی که دوست فرهیخته و نکته‌سنج بنده، آقای حسینعلی علی‌آبادی، متن اصلی این کتاب را در اختیار من قرار دادند، پس از نگاهی اجمالی به مطالب کتاب احساس کردم که با توجه به شرایط منطقه، حوادث به‌وقوع پیوسته و نقش مهم کشور عربستان در عرصه شطرنج خاورمیانه، مطالعه آن برای کسانی که سیر حوادث منطقه را دنبال می‌کنند و در پی دریافت ژرف‌تر و عمیق‌تری از جامعه عربستان هستند سودمند خواهد بود.

پس از مطالعه کامل و دقیق کتاب، برداشت اولیه خود را مقرون به حقیقت یافتم.

با کنکاشی در بازار داخلی کتاب به این نکته پی بردم که علی رغم انتشار تعدادی کتاب در مورد عربستان سعودی با موضوعات مختلف، جای کتابی با این سبک و سیاق که لایه‌های جامعه بسته این کشور را کنار زده و بدون حب و بغض آن را برای خوانندگان آشکار و عریان سازد، خالی است. با بررسی نقدها و بررسی‌های سیاستمداران و نشریات معتبر و وزین خارجی نیز، که امروزه به لطف برخورداری از امکانات اینترنت به راحتی میسر است، دریافتیم که این کتاب از نظر غربی‌ها نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از این رو، بر تصمیم اولیه خود مصمم‌تر شدم و دست به کار ترجمه کتاب شدم.

با توجه به تجربه طولانی نویسنده در عرصه روزنامه‌نگاری و جوایز معتبری که در زمینه‌های روزنامه‌نگاری و گزارش‌نویسی دریافت کرده است، سبک نگارش کتاب با نگاه روزنامه‌نگاری ستی توام است. از سوی دیگر، با وجود اینکه نویسنده سفرهای متعددی به کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی، داشته است، انتظار می‌رفت که حداقل با اصول و مبانی دین اسلام آشنا باشد، ولی در برخی بخش‌های کتاب به مواردی برمی‌خوریم که به نظر می‌رسد نویسنده در برداشت خود از اسلام دچار لغزش شده است. در چنین مواردی، تلاش کرده‌ام در زیرنویس‌ها هشدار لازم را به خوانندگان بدهم. از سوی دیگر، باید به این موضوع نیز توجه داشت که متن کتاب برای خوانندگان کشورهای غربی نوشته شده است، بنابراین نویسنده به منظور هرچه شفاف‌تر شدن موضوعات برای این گروه از خوانندگان، در متن کتاب از تمثیل‌ها و حوادث تاریخی نام برده است که گرچه ممکن است برای خوانندگان غربی کاملاً آشنا باشند، ولی درک آنها برای خوانندگان ایرانی (حتی خوانندگانی که سفرهای متعددی به کشورهای غربی داشته‌اند) در مواردی دشوار است؛ در این موارد نیز سعی کرده‌ام با ارائه زیرنویس (که در نظر اول شاید تعداد آنها زیاد یا آزار دهنده برای برخی از آنها غیرضروری به نظر برسد) اذهان خوانندگان را روشن‌تر کنم. در ضمن، باید به این نکته نیز اشاره کنم که مطالب مطرح شده در این کتاب صرفاً نظرات، تفاسیر و برداشت‌های نویسنده بوده و مترجم تنها به رسم امانت اقدام به ترجمه آنها نموده است.

در اینجا، جا دارد از آقای علی‌آبادی که نسخه اصلی کتاب را در اختیار من گذاشتند و در طول ترجمه کتاب همواره مشوق بنده بودند سپاس‌گزاری نمایم. ضمناً، در ترجمه این کتاب از مساعدت‌های آقای اصغر کاشیان در ترجمه برخی از فصول بهره‌مند شدم که تشکر و قدردانی از ایشان را بر خود فرض می‌دانم. در پایان، از خوانندگان دانشمند استدعا دارم مرا همچون شاگردی کم‌تجربه در عرصه ترجمه بدانند که پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و در حضور بزرگان وارد میدان شده است. بنابراین، اگر در متن ترجمه‌پی به خطا و لغزشی از سوی من مترجم بردند نخست بر من ببخشایند و سپس با ارائه رهنمودها و انتقادهای خود، در این وادی راهنمای من باشند.

از حدود سی و پنج سال پیش که برای نخستین بار به عنوان خبرنگار سیاسی روزنامه‌وال استریت ژورنال^۱ به عربستان سعودی سفر کردم، تاکنون تمام توجه من معطوف به نقش این کشور پادشاهی در آن دسته از مسایل خاورمیانه بود که بر امنیت ایالات متحده آمریکا تأثیرگذار بودند، مسائلی همچون صلح اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج، تولید و قیمت‌گذاری نفت، مسلماً کشور عربستان سعودی برایم اهمیت داشت، اما مردم آن اهمیت چندانی نداشتند.

طی دهه‌ها، هر چه بیشتر با مردم عادی عربستان تماس پیدا می‌کردم، رفتار انفعالی آنها و پذیرش بی‌چون و چرای مقررات وضع شده توسط ریش‌سفیدان، معلمان، پیشوایان مذهبی، و همان آل سعود که در حدود سه قرن به طور ناپیوسته بر این کشور حکومت می‌کردند، مرا بیشتر شگفت‌زده می‌کرد. همواره از خود می‌پرسیدم که چگونه ممکن است مردمی با این حد از ربه‌راه و مطیع بی‌چون و چرا باشند؟ آخر این مردم نه بردگانی بودند که زیر تازیانه حکومت استبدادی روزگار بگذرانند نه انسان‌های بدوی که در جزیره‌ای دورافتاده و ناشناخته زندگی کنند.

من با توجه به تجارب شخصی، تأثیرات ناشی از مذاهب سختگیرانه، والدین مستبد، و انزوا از دنیای وسیع‌تر را درک می‌کردم. مردم در دشت‌های داغ و لم‌یزرع ایالت تگزاس بزرگ شدم، جایی که بسیار به شبه جزیره عربستان شباهت داشت، شهر کوچکی که فعالیت‌های روزانه‌اش را مانند کشور عربستان دین و سنت تعیین می‌کرد و تنها رویدادهای اجتماعی موجود در آن چند بار در هفته حضور در یکی از چهار کلیسای شهر بود. البته هر چهار کلیسا وابسته به کیش پروتستان بودند و از کلیسای عیسی مسیح، که استفاده از اسباب و لوازم موسیقی در آن ممنوع بود، تا کلیساهای نسبتاً آزاداندیش - که البته به ما می‌گفتند متعلق به گناهکاران است - متدیست‌ها، که می‌گفتند در زمان آن مجالس رقص برپا می‌شود، را در بر می‌گرفت.

در خانواده‌ما، که پدری دوست‌داشتنی اما مستبد بر آن حکمرازی می‌کرد، بازی با ورق یا طاس ممنوع بود، از تلفن و تلویزیون خبری نبود، و پوشیدن لباس‌های زنانه ممنوع و مصداق بی‌حیایی بود. در خانه‌ما، و البته در کل بخشی که در آن زندگی می‌کردیم، نوشیدنی‌های الکلی غیرمجاز بودند. خانواده‌ما از آن خانواده‌هایی بود که هر وقت موضوع مهمی پیش می‌آمد، همسر دیده می‌شد ولی صدایش شنیده نمی‌شد، و از دختر

Wall Street Journal (۱)

Gulf War (۲)

(۳) فرقه متدیست‌ها (Methodists)، منشعب از کلیسای پروتستان انگلستان، در سال ۱۷۲۸ پایه‌گذاری شد و در سال ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت مریلند آمریکا کارش را رسماً آغاز کرد. در این فرقه، اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب می‌شود و مادام‌العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب، تفسیرهایی بر اساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همگی از انجیل استنباط شده‌اند. متدیست‌ها اعتقاد راسخ دارند که زندگی اجتماعی آینده تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست، مگر اینکه در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد.

خانواده نیز جز این انتظاری نداشتند. بخش ماتادور^۱ در ایالت تگزاس، با جمعیت نهصد نفری‌اش، آنقدر دوارفته بود که به‌ندرت کسی از همسایگان ما شهر بزرگی را دیده یا با هواپیما پرواز کرده بود، یا با فردی کاتولیک - چه رسد به یهودی یا مسلمان - روبه‌رو شده بود.

این روش زندگی با روش زندگی بیشتر آمریکایی‌ها شباهت ناچیز ولسی با طرز زندگی ساکنان عربستان سعودی مشابهت چشمگیری داشت. البته دین غالب و فراگیر اسلام نیز مانند زبان، لباس، و بسیاری از رسوم اعراب مثل پذیرایی از میهمان با تعداد بی‌شماری قهوه تلخ یا چای شیرین، با کشورهای دیگر تفاوت داشت. با این حال، در نخستین سفرهایم به عربستان سعودی دریافتم که حتی در دوارفته‌ترین شهرهای بیابانی عربستان، نیز از بیگانگان به‌خوبی استقبال و پذیرایی می‌شود، درست مثل پدرم که بعد از برگشتن از مراسم روز یکشنبه در کلیسا غریبه‌ها را برای ناهار به خانه دعوت می‌کرد. جامعه عربستان نیز که عملاً از هر نظر جامعه‌ای خشک و سختگیر محسوب می‌شود، یک روزنامه‌نگار زن جوان به‌گرمی پذیرفت. با گذشت زمان، علاقه‌ام به عربستان به‌عنوان کشوری نفت‌خیز و تأثیرات کاهش یافت و روز به روز مصمم‌تر شدم تا مردم عربستان سعودی و راه و رسم زندگی آنها را ترک کنم و به دلایل و نشانه‌های آینده‌ای پایدار کشوری پی ببرم که به‌خاطر پراکندن تخم ترس و وحشت افراد بسیاری شده است و در عین حال به دلیل منابع نفتی اسیر برای غربی‌ها اهمیت بسزایی دارد.

شگفت این‌که عربستان سعودی به‌طور جدی ناشناس باقی مانده است. گرچه سرنوشت و آینده این کشور برای دنیا بسیار مهم است، اما دنیا آنقدر درگیر حفظ وضعیت موجود است که گویا صحبت در این باره ممکن است سرنوشت شومی را برای وضعیت پایدار کنونی رقم بزنند. بنابراین، گرچه بروز ناآرامی‌ها در خلیج فارس و سرنوشتی رژیم‌های کوچک توجه جهانیان را در سال ۲۰۱۱ به خود جلب کرد، ولی عربستان سعودی تا حدود زیادی نادیده گرفته شد. در واقع، باراک اوباما در سخنرانی مهم اواخر ۲۰۰۹ دربارۀ خاورمیانه، هرگز نامی از عربستان سعودی نبرد.

دیدار از عربستان سعودی دشوار است و این دشواری، در واقع این کشور را دشوارتر نیز می‌کند. از زمان بازنشستگی از دنیای فعال روزنامه‌نگاری در سال ۲۰۰۶، بارها از روی کنجکاوی از این کشور بازدید کرده‌ام تا بتوانم این جامعه پوشیده در هاله‌ای از رمز و راز را که نقطه مقابل جوامع باز و فردگرای غربی است، کشف و توصیف کنم. این کتاب نتیجه آن پنج سال تحقیق و تفحص جدی و عمیق است. در این پنج سال، در سراسر این کشور که وسعت آن سه برابر موطن من ایالت تگزاس است سفر کرده‌ام، در روستاها و شهرها به سر برده‌ام، با فقرا و شاهزادگان، امامان جماعت محافظه‌کار و اصلاح‌گرایان متجدد، جوانان و پیران و زنان و مردان به گفت‌وگو نشست‌ام.

مصاحبه با مردان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا برخلاف آنچه ممکن است اکثر مردم درباره

یک زن خارجی که در جامعه‌ای مردسالار^۱ و قائل به جدایی زن و مرد در حال تهیه گزارش است تصور کنند، جنسیت من در عمل امتیازی ویژه از آب درآمد. روی هم رفته، به عنوان زنی غربی به مردان، حتی بعضی از محافظه کارترین مردان مذهبی، دسترسی داشتیم و تا زمانی که خود را به خوبی در چادر عربی^۲ بلند و روسری و روبنده پیچیده بودم، می توانستم با مردان برای مدت‌های طولانی ملاقات و مصاحبه کنم. همچنین، به عنوان یک زن توانستم تا اندازه‌ای به زنان سنتی عربستان که دسترسی به آنها برای هیچ مرد غریبه‌ای ممکن نیست نزدیک شوم. اغلب، هنگام ورود به خانه سعودی‌ها باید ابتدا در اتاقی با میزبان مرد خود و دوستانش قهوه می نوشیدیم و صحبت می کردم و سپس به اتاق دیگری می رفتم و حین صرف چای و خرما، با زنان خانواده گفت و گو می کردم. همان طور که گرترو بل^۳ - جهانگرد و فعال سیاسی نترس قدیمی انگلیسی مسائل خاورمیانه - بیش از یکصد سال پیش پی برده به «در جامعه عربستان سعودی زنان غربی از نظر دسترسی به هر گونه امکانات جنس خود محسوب می شوند».

تأکید این کتاب بر زندگی یکایک شهروندان سعودی، شکل زندگی و چگونگی سرکوب آن توسط سنت و قدرت های حاکم، اعم از شخصیت‌های مذهبی، شیوخ و ریش سفیدان قبایل، و شاهزادگان، است. این کتاب عنکبوت سنن و قوانین نشان می دهد که نه تنها زنان بلکه مردان نیز آزاد نیستند. هر دو جنس در دام انتظارات جامعه گرفتار شده اند. در نتیجه، ابتکار عمل و خطرپذیری فردی محدود بود. جامعه هزارتویی است که سعودی‌ها در راه‌های پر پیچ و خم آن در میان دیوارهای بلند قوانین و مقررات مذهبی، محدودیت‌های دولتی، و سنت‌های فرهنگی پیوسته سرگردانند. زنان باید از خدا اطاعت کنند و زنان نیز از مردان. از این رو، تعداد کمی از سعودی‌ها دارای انرژی، قدرت خطرپذیری، حس کنجکاوی یا اعتماد به نفس کافی هستند تا برای ترک، این هزارتو تلاش کنند. با وجود این، در سال‌های اخیر اطلاعات حاصل از اینترنت و خواست های زنان در حال رسوخ به این هزارتو و سست کردن پی‌های دیوارهای درونش هستند.

خارج از کشور عربستان، بهار عربی سال ۲۰۱۱ بسیاری از رژیم‌های عرب که زمانی باثبات به نظر می‌رسیدند را با درجات متفاوتی از بحران روبه‌رو کرده است. زمانی که بیشتر جهانیان توجه خود را به سقوط دیکتاتورهای عربی معطوف کرده بودند، بحرانی در آل سعود را دچار بهت و حیرت کرد حمله و یورش به رژیم پادشاهی بحرین بود. به نظر آل سعود، دیکتاتورهای عرب می‌آیند و می‌روند ولی سلسله‌های پادشاهی مقدس و خدشه‌ناپذیرند. خاندان سلطنتی محبوب مردم، و البته خداوند بوده و خود خدمتگذار خداوند و مردم هستند. بحرین مانند آینده‌ای بود که در آن این نگرش اسطوره‌ای آل سعود رفته رفته خرد می‌شد. آل سعود هراسان از اینکه اثر دومینوی سقوط یک پادشاهی کوچک عربستان سعودی را به خطر بیندازد، نیروهای

Male-dominated (۱)

Abaya (۲)

Gertrude Belle (۳)

Third sex (۴)

نظامی خود را برای حفاظت از خانواده‌های سلطنتی آسیب‌پذیر همتای خود به منطقه گسیل کرد. دست کم در حال حاضر رژیم‌های سلطنتی از مهلکه جان سالم به در برده‌اند. نخستین بار که در اواخر دهه ۱۹۷۰ سفرم را در این کشور پادشاهی آغاز کردم، نگرش دنیای غرب به عربستان سعودی ترکیبی از کنجکاوی و کمی نگرانی بود، ولی امروز آینده این کشور برای غربی‌ها مهم است. اشتباهی سیری‌ناپذیر دنیای صنعتی برای انرژی، ما را بیش از پیش به این کشور پادشاهی که یک بشکه از چهار بشکه نفت صادراتی به سراسر دنیا را تأمین می‌کند، وابسته کرده است. با وجود وعده و وعیدهای خیالبافانه غربی‌ها درباره منابع انرژی جایگزین، این تفکرات همچنان حکم سرب را دارند و واقعیت این است که اکنون بیش از هر زمان انرژی متکی به نفت عربستان است. این در حالی است که عربستان دیگر از اهمیت آن رام و دست‌آموز یک نسل پیش آمریکا نیست. ازدواج دو کشور آمریکا و عربستان که زمانی بر پایه اصل تک‌همسری شکل گرفته بود، اکنون به دلیل پیوندهای دوستی برقرارشده بین سعودی‌ها و قدرت‌های دیگر، به‌صورت ازدواج چندهمسری از نوع اسلامی^۱ درآمد. شاید خاندان سلطنتی عربستان برای بقای خود همچنان متکی به ایالات متحده باشد، اما استراتژی آمریکایی‌ستیزی در میان سعودی‌های محافظه‌کار به این معناست که دیگر حتی شاهزادگان سعودی نیز مثل گذشته در مشقت آمریکا نیستند. عربستان سعودی با توجه به وجود دو شهر مقدس مکه و مدینه در آن، در گذشته و حال، قلب دنیای اسلام محسوب می‌شده است، ولی امروزه مسلمانان افراطی اسلام را در برخورد تمدن‌ها با جهان غرب می‌پندارند. تروریست‌انی نوپا را می‌توان در میان این مسلمانان افراطی یافت، که شاید بتوان آنها را مسئول حملات تروریستی انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دانست. این گروه‌ها اکنون به‌طور مخفی و زیرزمینی فعالیت می‌کنند، اما هنوز حضور دارند. کشور پادشاهی که اولین بار از آن دیدن که به بادشست زمان اهمیت بیشتری یافته و بیش از پیش برای گذران زندگی و حیات ما تهدید می‌شده است. هدف از نگارش فصول آینده باز کردن نوارهای سنت و مذهبی است که این همه را به سعودی در آنها پیچیده شده است. تا بتوان چگونگی عملکرد جامعه عربستان، تفکرات، روش زندگی آنان، و نحوه وقوع حوادث در این کشور بیابانی را توضیح داد. موضوع اصلی این کتاب تأثیر متقابل مسائل متعددی مانند مذهب، خاندان سلطنتی، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مجاهد در جامعه‌ای است که بخش اعظم آن همچنان پوشیده در چادر عربی و روئیده است.

(۱) احتمالاً منظور نویسنده بحث مجاز بودن چهار زن عقدی و همچنین مسئله صیغه در اسلام است. (مترجم)